

تلاش برای تحمیل آلترناتیو سلطنت برای ایران فردا کاری بیهوده و پسرروانه است



اطلاعیه مشترک سه ائتلاف سیاسی در اپوزیسیون



تلاش برای تحمیل آلترناتیو سلطنت برای ایران فردا کاری بیهوده و
پسرروانه است

سیاست‌های خانمانسوز حکومت اسلامی، گرانی سرسام‌آور و بیکاری گسترده؛ گسترش روزافزون فقر و گرسنگی در کشور به گسترش اعتراضات و اعتصابات در سراسر کشور دامن زده است و مردم در اقصا نقاط ایران در کف خیابان به فساد و ناکارآمدی این حکومت اعتراض کرده و بعضا خواهان برکناری مسئولین حکومتی و برچیدن بساط آن هستند. در این بحران اجتماعی و سیاسی، فقدان یک آلترناتیو مورد اعتماد مردم، که برنامه روشن برای آینده ایران داشته باشد، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. در چنین شرایطی است که سلطنت‌طلبان فعالیت‌های خود را دو چندان کرده و بنگاه‌های خبری و تلویزیون‌های خارج کشور وابسته به اینها برای آلترناتیوسازی در عرصه رهبری سیاسی به دست و پا افتاده و آقای رضا پهلوی، فرزند آخرین شاه مستبد ایران را در مناسبت‌های مختلف به میدان‌داری سیاسی می‌کشانند و با برگزاری نشست‌های خبری عملا در جهت تبلیغ و ترویج نام او آشکارا برای مردم ایران در آستانه تحولات سیاسی بسیار جدی آلترناتیو سیاسی می‌تراشند.

در یکی از این نشست‌های خبری؛ رضا پهلوی روز ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ گفتگویی با چند بنگاه سخن‌پراکنی داشته است. وی در آغاز سخنرانی خود اظهار داشت که مردم ایران هم درد را می‌شناسند و هم راهکار آن را می‌دانند و طبق رویه پوپولیستی که در چند سال گذشته در پیش گرفته است، اعلام کرد که "اپوزیسیون مردم داخل ایران" هستند. این اولین بار نیست که رضا پهلوی از روش‌های این چنینی برای انکار بخشی از اپوزیسیون حکومت اسلامی استفاده می‌کند.

تلاش رضا پهلوی برای حذف احزاب و سازمان‌ها و نهادهایی که چند دهه است به کار سیاسی مشغول هستند، و بعضا پیش از تولد وی برای استقرار دموکراسی در ایران با پدر وی هم مبارزه می‌کردند، تلاشی است مذبحانه که نشان از سطح درکش از دموکراسی و میزان پایبندی او به ادعاهای آزادی‌خواهانه و دموکراسی‌طلبانه او و مجموعه سلطنت‌طلبان دارد.

اکثریت وسیع مردم ایران بویژه در مناطق ملیت‌های ایران، صرف نظر از این که در کدام جغرافیا زندگی می‌کنند، اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بزرگترین قربانیان این رژیم هستند، حضور جمعی از فعالین سیاسی یا رهبری احزاب و سازمان‌های مبارز علیه جمهوری اسلامی در خارج از ایران تنها نشان از سرکوبگری جمهوری اسلامی دارد.

رضا پهلوی، که در طول سال‌های گذشته در زمینه ائتلاف‌سازی موفقیتی بدست نیاورده است، اکنون که مبارزات مردم وارد مرحله جدیدی شده و اعتراضات در ابعاد وسیع نظام جمهوری اسلامی را هدف گرفته است، می‌کوشد تا با رفتارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه خود را تنها بدیل و آلترناتیو حکومت اسلامی نشان دهد و با استفاده از بنگاه‌های خبری و تلویزیون‌های خارج از کشور و نشست خبری آگراندیسمان شده، خود را یک رهبر مخالفان رژیم اسلامی جلوه دهد.

آقای رضا پهلوی در نشست خبری‌اش، در صدد مخالفت با جمهوری اسلامی و با نمایش سیمایی لیدرگونه، با استفاده از مفاهیمی با مضمون‌های هشداردهنده به بخش‌هایی از جامعه، برای عدم همکاری با جمهوری اسلامی برآمد. حال این که مردم ایران در مواجهه با رژیم حاکم از مرحله مخالفت با آن گذر کرده و در آستانه تغییر این رژیم هستند. آنچه که امروز مهم است طرح یک جمهوری آلترناتیو و بدیل سیاسی دموکراتیک، لائیک و مردمی است. اما آقای رضا پهلوی در این باره حرفی برای گفتن ندارد و همچنان بازگشت به گذشته و برقراری دوباره نظام پادشاهی پدر بزرگ و پدرش را ترویج و تبلیغ می‌کند. نظامی دیکتاتوری که ۴۳ سال پیش به دنبال یک انقلاب اجتماعی بزرگ به پایان رسید. آقای رضا پهلوی تا کنون حتی یک کلام انتقادی نسبت به استبداد خشن و سیاست سرکوب سخت پدر و پدر بزرگش بیان نکرده است. بین ادعای دموکراسی‌خواهی و تلاش فرزند شاه سابق در نادیده گرفتن پنجاه سال حکومت دیکتاتوری خشن و سرکوبگرانه پدر و پدر بزرگ اش فاصله بسیار است.

همچنین رضا پهلوی با خطاب قراردادن نیروهای نظامی جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا نوعی تقسیم‌بندی در بین این نیروها سرکوبگر ایجاد کند. وی در تلاش است تا ارتش جمهوری اسلامی را از سپاه و دیگر نیروهای نظامی رژیم جدا کند به این امید که شاید در آینده ارتش جمهوری اسلامی بار دیگر ارتش شاهنشاهی شود!!

آشکار است که تنها پایه ماندگاری رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی نیروهای نظامی آن رژیم هستند، مسلم است که تمامی افراد درون این ارگان‌های نظامی به یک میزان در سرکوب مردم و استحکام جمهوری اسلامی نقش ندارند، اما تقسیم‌بندی براساس این که ارتش جمهوری اسلامی از جنایت‌های که این رژیم انجام می‌دهد مبرا است، نه تنها حکایت از واقعیت عینی

ندارد، بلکه در واقع تلاشی است برای این که بخشی از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در فردای این رژیم جهت تغییر واقعیت‌های سیاسی ایران همچنان در کسوت خود بمانند. به کارگیری نیروی نظامی در امور سیاسی امری جدید یا ایده‌ای تازه نیست، بلکه از جمله دلایل اصلی وضعیت اسفبار کنونی ایران است، کما اینکه در ۱۰۰ سال گذشته رژیم‌های متفاوت در ایران از همین ایده برای کسب قدرت و استحکام خود استفاده کرده‌اند.

با اندک نگاهی به متن بیانیه آقای رضا پهلوی، نگاه تحقیرآمیز پدر و پدربزرگش نسبت به ملیت‌های صاحب و ساکن جغرافیای کنونی ایران در آن تکرار شده است. ملیت‌های غیرفارس در متن بیانیه وی به عنوان ایلات، عشایر و طوایف مورد خطاب قرار گرفته‌اند. ریشه این کلمات به گفتمان تلاش برای عادی‌سازی کشتارهای رضاشاه پهلوی برمی‌گردد. رضا شاه پهلوی برای تثبیت حکومت خود و برای توجیه لشکرکشی به مناطق مختلف ایران، مردم را عشیره و قبیله می‌خواند و کشتار آنها را مدرنیزاسیون می‌نامید. اکنون نوه خلف ایشان به سیاق پدربزرگش ملیت‌های ساکن این سرزمین را «ایلات» و «عشایر» می‌خواند.

باید پرسید با دیدگاهی چنین ناهنجار و نابرابر نسبت به ملیت‌های ساکن در ایران، آیا رضا پهلوی اصلاً می‌تواند برای برقراری نظامی عادلانه با حقوقی برابر برای همه مردم ایران حرکت کند؟

سه ائتلاف سیاسی «شورای دموکراسی خواهان»، «کنگره ملیت‌های ایران فدرال» و «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» بار دیگر تاکید می‌کنند که سرنگونی حکومت اسلامی و رسیدن به آزادی، دموکراسی و برابری برای همه مردم ایران تنها با اتحاد و یکپارچگی همه مردم ایران و پیوند همه جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی اعم از کارگران و زحمتکشان، معلمان، زنان، جوانان، ملیت‌ها، ... ممکن خواهد بود.

ما در سه ائتلاف فوق رهبری سیاسی مردم را نه در یک شخص و یا یک تشکیلات واحد، که در تنوع رهبری سیاسی جستجو می‌کنیم، چون کشور ایران را کشوری متنوع و متکثر از نظر سیاسی، اتنیکی/ملی، طبقاتی، جنسیتی و فرهنگی می‌دانیم. در عین حال ما تمرکز رهبری در یک فرد را منتج به استبداد ارزیابی کرده و در تقابل با آن رهبری جمعی و متکثر را ترویج می‌کنیم و بر این باوریم که بذر دموکراسی و ترقی‌خواهی را تنها می‌توانیم در زمین رهبری جمعی و متکثر بکاریم و به هنگام تحولات سیاسی بزرگ و تغییر رژیم جمهوری اسلامی دموکراسی و ترقی ایران را از آن درو کنیم.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال

شورای دموکراسی خواهان ایران

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

۱۸ خرداد ۱۴۰۱ - ۸ ژوئن ۲۰۲۲